

## ۲۶

تهران ۱۰ آپریل ۱۹۲۴ مطابق ۲۱ حمل ۱۳۰۳

به خدمت ذیشرافت جناب اجل آقای اعتلاءالملک انصرالله خلعتبری | دام اقباله العالی معروض اینکه دوست محترم جناب مسیو باگدناف در کابل تشریف داشته و بنده مورد لطفشان بوده گاه گاه به مژده سلامتی ایشان مسرور می شوم و بنابراین وسیله مطلوبی به دست آمده بدین چند کلمه مزاحم می گردم و یقین دارم که ارادت و اخلاص بنده محسوس بوده لازم به معرفی جدیدی نیست. یقین دارم به لطف ایزدی همیشه به صحت مزاج و کامکاری موفق خواهید بود و همه دوستان را همیشه باعث افتخار خواهید ماند.

بنده و بستگانم به مهر سبحانی به صحت تن و من | جان | بهره مندیم و به درگاه ایزدی همیشه نسبت به خدام نوع و خیراندیشان ایران مشغول ادعیه خیریه ایم. خود بنده تا یک ماه دیگر از راه روسیه عازم لندنم و شاید زود برگردم. از اوضاع مملکت البته تلگرافاً مستحضرید. حکومت جمهوری که به روز عید نوروز خواستند دایر کنند به واسطه ضدیت علما و امتشان ممکن نشده قدری اوضاع درهم برهم گردید و سردار سپه قهراً استعفاء داده. مجلس و مملکت و ملت خیلی اندیشناک شده اند. مجلس برخلاف میل اعلیحضرت، رأی اعتماد به آقای سردار سپه داده است و مشغول مذاکرات با معزی الیه است. به روزهای عید نوروز که تولد صاحب زمان یا امام غایب نیز بود مجلس رسمی سلام به عمل نیامد و ایضاً به روز تولد و تاجگذاری شاه نیز دلیل سلطنت روشن و مکشوف نبود. می گویند جمهوری مطلوب اینگلیش [انگلیس] است. خوب مشاهده کردیم که دخالت روس باعث تشجیع علماء و مردم شده یک دفعه اوضاع دیگرگون گردید و الان که نه سلطنت است و نه جمهوری آثار روزگار بر این می باشد که دیکتاتوری نظامی سردار سپه مقبول افتد قوه و قدرت سلطنت تقریباً معدوم است و جمهوری ایرانی هم معلوم است جمهوری فردی بوده، روزگار ممکن است صورت ثالثه دیکتاتوری را ترجیح دهد و بپذیراند.

ما در اینجا به حظ بهار خوب موقیم و جناب اجل درک بهار کابل می فرمایید. گویا از طول اقامت قدری خستگی داشته باشید. بنده که الحمدلله به زیارت اکسپوزیشن: نمایشگاه | بی نظیر لندن موفق می شوم و قدری به سیاحت اشتغال خواهم ورزید. به خدمت جناب آقای رفیع الممالک عرض سلام دارم. هرگاه لطفی فرماید به توسط دوست محترم مسیو باگدناف مشعوفم فرماید.

[ناخوانا] اردشیرجی

[۷۵۶۰۹]

طهران ● ۱۰ آوریل ۱۹۲۳ ع. ق. ۲۱ حمل ● ۱۳۰۳

خدمت ذی‌شرافت جناب آجل آقای امیرالممالک دام آقباله العالی  
 عرض آنکه دست محترم جناب مسیو باگدناف در کابل شریف  
 داشته و بنده مورد لطفشان بوده گواه گواه برورد سلامت ایشان  
 مسرور می‌شوم و تا برین وسیله مطلوبه است آمده بین صحت کلمه نراحم  
 بگیرم و یقین دارم که ارادت و اخلاص بنده محسوس بوده لازم بعضی خبری  
 نیست یقین دارم بلطف ایزدی همیشه صحت نراج و کامکار می‌تواند  
 فراموش برد و همه دوستان را همیشه باعث افتخار فراموش مانده  
 بنده و شکرگزار می‌باشم صحت تن و من بر همه نسیب و بد بگناه ایزدی  
 همیشه نسبت خدایم نعم و خیراندیشان ایران سفید ادعیه خیریه ایزدی  
 خود بنده تا یک ماه دیگر از راه روسیه مجازم لندن و شاید زود برگردم  
 از اوضاع مملکت البته تلگرافاً مستفسرید حکومت جمهوری که بروز عمده  
 نوزده خواننده دایر کرده براسط خدمت علما و امتثالان ممکن  
 نشود قدری اوضاع در هم برهم گردیده و سردار سپهر آقا استغدادیه مجلس  
 و مملکت و ملت غریب اندیشه ناک شده اند مجلس بر خلاف میل

۲  
 ۱. محلیت رای احمد ● با قوا سردار سپه داده است ● سفیر مذکرات  
 با مفری الیه است بروز باس محیه نروز کرد که صاحب زمان با انام نواب نیز  
 بود مجلس رسم سلام بدل نیامد و انفاً بروز ترکه و تراکده این است با مفری  
 دلیل سلطنت روشن و مکشوف بود میگردد جمهوری عطلوب است  
 و فرب مشاهده کردیم که دفات روس باعث تشبیح و ملها و سرده سرده  
 یکدفعه اوضاع دیگرگون گردید و آنان که نه سلطنت است و نه جمهوری آثار  
 روزگار برین میباشند که دیکته ترن نظامی سردار سپه بقرال افند آرد و  
 قدرت سلطنت تقریباً معدوم است و جمهوری ایرانی هم معلوم است جمهوری خودمان  
 برده روزگار ممکن است صورت فنانه دیکته ترن را ترجیح دهد و بنده برانند  
 ما درخوا حفظ بهار صوب موقوفیم و جناب آهل دیک بهار کابل میفرمائید  
 گریبا از طول اتقامت قدری خستگی داشته باشم بنده که الحمد لله  
 بزبانت اکسپوزیشن بی نظیر لندن موافق رسوم و قدری سباحت  
 است فعال قوام و زویه خیریت است قوا زنیع امداک عرض سلام دارم  
 برگاه نعلف فرمائید برسط دوست محترم سریر بالذناصف شد هم فرمائید  
 سبزگیس اردشیرجی

## ۲۷

مذاکرات پارلمان ۱۴ مه ۱۹۲۴ [۲۴ اردیبهشت ۱۳۰۳]

«مجلس لردها» انگلیس |

لرد لامنکتن قبلاً از دولت تقاضا کرده بود که راجع به وضعیات فعلی ایران توضیحاتی داده و نوشتجات راجعه به آن را طبع و توزیع نمایند. در موقع توضیح تقاضا خود لرد معظم له چنین اظهار نمود:

لردهای محترم، تقریباً متجاوز از سه سال است که در این مجلس راجع به اوضاع ایران اطلاع و توضیحاتی داده نشده است. تصور می‌کنم دفعه اخیری که از اوضاع ایران مذاکره به عمل آمد در ژوئیه ۱۹۲۱ بود. به طوری که لردهای محترم تصدیق می‌فرمایند حالیه در جراید راجع به ایران اخبار کمی دیده می‌شود و خیلی مشکل است که به اوضاع ایران آگاهی حاصل نموده، بعضی اطلاعات از مجمعی که برای احداث روابط بهتری بین ایران و انگلیس تشکیل شده بود تحصیل نموده‌ام و همچنین از بعضی مجامع ادبی و تجارتنی اندک اطلاعات دیگری به دست آمده ولی کلیه این اطلاعات مبهم می‌باشد و گاهی هم صحت آن مشکوک است. لهذا خیلی خوب خواهد بود که دولت بتواند اطلاعات روشن‌تری بدهد.

وقتی که در دفعه آخر در ژوئیه ۱۹۲۱ در باب ایران مذاکره به عمل آمد کابینه‌های ایران پی در پی در تغییر بود و گمان می‌کنم در ظرف یک سال پنج مرتبه کابینه ایران تغییر کرد ولی در این ماههای اخیر که اوضاع ایران اشکال مختلف پیدا کرد خلاف آن مشاهده می‌شود. مدتی قبل که اعلیحضرت شاه از ایران حرکت کردند چنین منتشر شد که دیگر به ایران مراجعت نخواهند فرمود و یک هیجان قوی برای برقرار داشتن حکومت جمهوری در ایران ظاهر شد. مجلس درصدد مذاکره مسئله برآمده بود و مخالفین جمهوریت خواهان که رؤسای آنان علمای مذهب بودند به مجلس رفته اظهار داشتند که جمهوریت برخلاف اصول مذهبی بوده و بنابراین نبایستی اعلان جمهوریت نمود.

امروزه اوضاع ایران چگونه است؟ امیدوارم لرد محترم می‌که جواب خواهند داد - تصور می‌کنم رئیس محترم مجلس باشد - اطلاعات درستی راجع به اوضاع حالیه ایران خواهند داد.

در این تغییرات گوناگون اخیر یک وجود قابل توجه، رضاخان سردار سپه، بوده است

که رئیس کل قواست و می‌توان او را دیکتاتور ایران نامید. شکی نیست در تحت اداره ایشان ترقیات در وضع اداره ایران به عمل آمده است و اطلاعاتی که من تحصیل نموده‌ام این ترقی را نشان می‌دهد. یقین است که در جنوب ایران نظم و آسایش برقرار و تجارت تجدید شده و مالیات جمع‌آوری می‌شود. چنین مفهوم می‌شود که حتی از رؤسای ایلات که در نقاط دوردست هستند مالیات اخذ شده و گمان دارم با رؤسای بختیاری و شیخ محمره نیز همین معامله شده است. در هر صورت، این عقیده است که برای من حاصل شده است ولی صحت و سقم آنرا یقین ندارم. لیکن شبهه نیست که مالیات وصول شده است. و این نه فقط به واسطه فعالیت سردار سپه است بلکه به واسطه همراهی است که با دکتر میلسپو مستشار امریکائی قابلی که مشغول ترتیب و تنظیم مالیه ایران است دارا می‌باشد. به همین ملاحظاتی که ذکر شد احتمال دارد که امساله موازنه بودجه مملکتی به عمل آید. شکی نیست سردار سپه به واسطه وجوهی که مستشار مالیه فراهم می‌نماید موفق به تشکیل یک قشون قوی گشته و بنائاً علیه اعلیٰ هذا نظم و آسایش را در جنوب و شمال مستقر ساخته است زیرا حقوق افراد قشون و همچنین سایر ادارات مملکتی مرتباً پرداخته می‌شود. علاوه بر این، مواظبت کامل در جلوگیری از حیف و میل شدن مالیه مملکت به عمل آمده است که خود این خیلی رضایتبخش است.

راجع به روابط با ایران ظاهراً شکل آن آن طوری که بایستی باشد مسرت‌آمیز نیست. گمان می‌کنم همگی این را تصدیق داشته باشیم که دولت و ملت ایران کلیتاً به نظر سوءظن بلکه با یک خشونت بی‌انگلیستان می‌نگرند. و دلیل این همان انعقاد قرارداد منحوس - به عقیده من بی‌موقع - انگلیس و روس می‌باشد. بعد از قرارداد مزبور به ثبوت رسید که روسیه می‌خواست پنجه خود را به روی شمال ایران بگذارد و هرچند ایرانیها چنین خیالی را درباره ما در منطقه نفوذ ما نمی‌توانند بکنند ولی تنها مسئله قبول و تصدیق آن قرارداد از طرف ما کافی بود که مقام و حیثیت ما را در نظر ایرانیها سبک نماید ایرانیها حس کردند که دیگر ما قدرت و توانایی آن را نداشتیم که چنین قراردادی را که واقعاً برخلاف منافع ایران بود امضا نموده رد نماییم. تصور می‌کنم از اینجا است که حس سوءظن ایرانیها نسبت به ما شروع گردید. بعد هم پیش آمدن جنگ بین‌المللی. هر چند

ایران جزو دول متخاصم نبود ولی مملکت دچار خیلی از بدبختیهای جنگ گردید. در ایران آلمانها مشغول دسایس گشته و ترکها مملکت را استیلا نموده و این اقدامات آنها سبب گسیل داشتن قشون به آن مملکت گردید. بعد از انقلاب روسیه هم بلشویکها در شمال ایران پیش آمده و ناچار شدیم برای حفظ ایران قوای خود را در ایران زیاد کنیم. شکی نیست این مسئله نیز در اذهان ایرانیها سوءظن جدیدی را تولید نمود که ما قصد نگاهداشتن قوای خود را در ایران داریم. هرچند به طور غیرمستقیم ایران از تمام این اقدامات نظامی دچار خسارات گردید ولی از طرف دیگر نظر باینکه ما مبالغ زیادی برای حفظ استقلال حقیقی خود ایران و ایجاد طرق و شوارع و کلیتاً بواسطه استقرار امنیت خوبی مخصوصاً در جنوب و شرق ایران خرج کردیم ایرانیها بایستی متنفع شده باشند. بعد از جنگ، دوست محترم من لرد کرزن نقشه قرارداد انگلیس و ایران را ریختند که ما در همین مجلس در باب آن مذاکره نمودیم. مقصود ایشان از قرارداد مزبور بدون شک برای این بود که رفع احتیاجات ایران را نموده و این مملکت را مستقل سازند. ولی متأسفانه حس ملیت در ایران به طوری توسعه یافته و به قدری در آنجا نسبت به خیال ما که مقصود استقلال ایران بود سوءظن پیدا گردید که هیچوقت آن قرارداد تصدیق نشد بلکه باز این احساسات ایران بدتر گردید. اخیراً مسئله تبعید شیخ الخالصی<sup>۱</sup> از بین‌النهرین مزید بر علت گشته و آن را حمل بر نفوذ انگلیس می‌نمایند. و به همین واسطه حس خصومت در عالم اسلام بر علیه ما بروز نمود ولی بدون هیچ دلیلی زیرا انگلستان در این امر هیچ‌گونه مداخلیتی نداشت و به کلی به واسطه عملیات امیر فیصل بود.

اندازه خصومت ایرانیها بر علیه انگلستان از این مسئله پیدا است. به طوری که لردهای محترم مسبوق هستند مذاکره امتیاز نفت شمال در میان بود. نمی‌خواهم داخل جزئیات این معاملات بشوم ولی مختصراً می‌گویم که چند سال قبل امتیازی به خوشتاریا داده شده بود و بعد هم یک قراردادی بین کمپانی استاندارد و کمپانی نفت جنوب منعقد گردید که آن امتیاز را متفقاً به کار اندازند. دولت ایران در رفتار خود به طوری مخالفت‌آمیز گشت که اظهار نمود چون امتیاز مزبور به تصویب مجلس نرسید از درجه اعتبار ساقط و آنرا لغو کرد. و حالا مشغولند امتیاز آن را به یک دسته که موسوم است به [شرکت نفت] سنکلا و اگذار نمایند و یکی از شرایط آن این است سرمایه انگلیس را و یا

۱. تبعید آیت‌الله محمد مهدی خالصی کاظمی در سال ۱۳۴۱ هـ ق اتفاق افتاد.

شرکت انگلیس را مدخلیت ندهند. این یکی از دلایلی است که چطور احساسات در ایران مخالف انگلیس است. همین طور در مسئله امتیاز راه آهن محمره که ما تقریباً برای مساحتی آن صد و هشتاد هزار لیره خرج کردیم و تصویب مجلس را بهانه ساخته و حالیه با یک کمپانی امریکایی داخل مذاکره هستند. جای تاسف است که ما اینقدر طرف سوءظن ایرانیها واقع شده‌ایم.

مسئله امتیاز سهام کمپانی نفت جنوب از طرف دولت انگلیس را هم می‌توان در این قضیه سوءظن نسبت به ما محسوب نمود. تصور می‌کنم این یک اشتباه سیاسی بود؛ ولی نقطه نظر من این نیست. خیلی طبیعی است که مملکتی کمپانی [ای] را که در آن مملکت مشغول کار است و ارتباط قوی با یک دولت خارجی دارد دوست نداشته باشد. به طوری که ما خودمان نیز به یک کمپانی بزرگ معدن ذغال [زغال] انگلیسی [که] چنین ارتباط قوی با یک دولت خارجی مثلاً فرانسه داشته باشد با چشم خوبی نبایستی بنگریم. به اندازه [ای] این مسئله محسوس شده بود که دولت سابق در صدد این برآمد که سهام مزبور را به فروش برساند و دولت فعلی کارگر از فروش سهام مزبور اجتناب دارد. اگر مسئله از این قرار باشد خیلی جای تعجب است که یک دولت کارگری سیاستی را که برخلاف منافع مملکت است تعقیب نماید. امیدوارم لرد محترم جواب قانعی [قانع کننده‌ای] که در این مسئله تجدید نظر خواهد شد خواهند داد.

این بود نکات مهمی که می‌خواستیم به اطلاع لردهای محترم برسانم و این را هم می‌گویم که چند سال قبل لرد لانزدون اظهار داشت هر دولتی برای تحصیل هر نوع امتیازی اقدامی در خلیج فارس بنماید ما آن اقدام را دوستانه نخواهیم شمرد. و دوست محترم لرد کرزن ایران را دروازه هندوستان خوانده است و صدها سال است که ما مبالغها [مبالغها] خرج کرده و این دریا را برای تجارت عالم و منفعت ایران امن نگاه داشته‌ایم، و امیدوارم دولت ایران به گذشته عطف نظر نموده به خاطر خواهند آورد [داشته باشند] که [ما] چشم به یک وجب از خاک ایران ندوخته‌ایم [و این سوءظن خود را نسبت به انگلستان تخفیف خواهند داد].

لرد پارمور رئیس مجلس - از طرف دولت - لردهای محترم، لرد محترم که این مذاکرات را به میان آورد نشان داد که خود در این مسائل که مذاکره می‌شود به کلی مطلع و بصیر هستند. قبل از آنکه از اوضاع دو ساله اخیر ایران و وضعیت آن مملکت بحثی بنمایم لازم است راجع به یکی دو نکته که خارج از موضوع به آن اشاره نمودند دو کلمه

عرض نمایم. در آخر نطق خود به خلیج فارس اشاره نمودند. تصور نمی‌کنم در هیچ موقعی به موقعیت ما در خلیج فارس صدمه وارد آمده باشد. و همان طوری که اظهار داشتند ایران بایستی از بابت خلیج فارس از ما ممنون باشد.<sup>۱</sup>

لرد لامنکتن: و آنچه ما در خلیج فارس کرده‌ایم برای منافع خصوصی خودمان نبوده است.<sup>۲</sup>

لرد پارمور: شاید این طور باشد [که] اظهار می‌دارید ولی می‌خواهم بگویم مسئله خلیج فارس را که به کلی به حالت خود باقی و به وضعیت آن خللی وارد نیامده است نبایستی با وضعیات دیگر ایران داخل نمود. لهذا اظهاراتی که خواهم نمود مربوط به خلیج فارس نخواهد بود. این را از اول می‌گویم چون این مسئله مربوط به موقعیت ما در شرق و هندوستان است.

لرد محترم به یک مسئله دیگری نیز اشاره نمودند آیا مقصودشان مسئله نفت موصل

۱. ایران به دلیل انحصار خلیج فارس در چنگال انگلیس باید از دولت بریتانیا ممنون باشد؟! لطفاً یک بار دیگر پاراگراف قبلی را مرور کنید!... «هر دولتی برای تحصیل هر نوع امتیازی اقدامی در خلیج فارس بنماید ما آن اقدام را دوستانه نخواهیم شمرد.»
۲. به رغم ادعای لرد لامنکتن دولت بریتانیا هیچ‌گاه نتوانسته اهمیت خلیج فارس و به ویژه رابطه آن را با منافع اقتصادی و منابع نفتی از نظر دور دارد. سر ادوارد گری وزیر خارجه بریتانیا محور سیاست انگلیس در ایران و خلیج فارس را چنین توضیح می‌دهد:
  - ۱- بریتانیا در هیچ جای جهان غیر از ایران نمی‌تواند منافع نفتی به دست آورد که جوابگوی نیازهای امپراتوری به خصوص نیاز نیروی دریایی آن باشد.
  - ۲- تنها در ایران است که نیروی دریایی بریتانیا می‌تواند قیمت نفت را تحت کنترل خود در آورد.
  - ۳- دولت بریتانیا با دادن کمک به ایلات محلی از نیروی آنها برای حفاظت منابع و لوله‌های نفت استفاده می‌کند.
  - ۴- بریتانیا به دولت ایران فشار می‌آورد تا با استخدام افسران انگلیسی به تربیت نیروی تحت فرماندهی این افسران برای حفظ منافع بریتانیا در جنوب مبادرت ورزد.
  - ۵- در صورت عدم موفقیت موارد ۳ و ۴ بریتانیا برای حفظ منافع خود هر وقت لازم بود دو تیب به ایران اعزام خواهد کرد و در موارد اضطراری، برای حفظ استمرار جریان نفت، بریتانیا به هر میزان لازم به ایران نیرو اعزام خواهد کرد.
  - ۶- بریتانیا از ترس پیشروی روسها در شمال، از گسترش منافع خود در جنوب نمی‌گذرد. به عبارت دیگر با توجه به نفوذ روسیه در شمال، بریتانیا به سیاست تقسیم عملی ایران به صورت منافع روس و انگلیس عمق می‌دهد. (دکتر رضا رئیس طوسی. نفت و بحران انرژی. تهران، کیهان، ۱۳۶۳. صص ۲۲-۲۳).



بود یا مسئله نفت شمال؟

لرد لامنکتن: مقصودم نفت شمال ایران بود.

لرد پارمور: راجع به سیاست دولت سابق در این مسئله خود لرد کورزن [کرزن] در اینجا تشریف دارند؛ اگر اشتباهی در اظهارات خود بکنم تصحیح خواهد نمود. بنده تصور نمی‌کنم که دولت سابق خیال فروش اسهام را داشتند به همین ملاحظه که وزارت بحریه در این مسئله مصر هستند که اسهام بایستی دست نخورد. و همین‌طور در مجلس مبعوثان اظهار شد و دولت حالیه هم خیال فروش آنها را ندارند و این برخلاف مسلک دولت نخواهد بود.

لرد لامنکتن: اشاره کردم به آنچه که سیاست دولت حالیه تصور می‌کردم.

لرد پارمور: تصور کردم که لرد محترم خواستند در این باب توضیحی داده شود. حالت کنونی مسئله این است: نظر به منافی که ملحوظ است دولت حاضر [به] فروش آنها نیستند.

موقعیت حقیقی ما در ایران از این قرار است: منافع انگلستان چنین اقتضا دارد که یک نوع حکومت ثابتی که حفظ نظم و آسایش و قانون را بنماید در ایران وجود داشته باشد و از طرف دیگر حتی المقدور اوضاع مالیه ایران خوب باشد. در ظرف دو سال اخیر در این دو مسئله پیشرفت بزرگی حاصل شده است. شکی نیست وقایعی که مانند احساسات جمهوری و احساسات ضد آن که لرد محترم به آن اشاره کردند و آن را خود نیز توضیح خواهم نمود رخ داد ولی کلیتاً اوضاع ایران از نقطه نظر داشتن یک دولت ثابت و ترتیب مالیه خیلی بهبودی حاصل نموده و این را دولت انگلیس به چشم نیک می‌نگرند.

لرد محترم به حیثیت ما در ایران اشاره نمودند. بدیهی است حملاتی به ما شد ولی نظر به اطلاعاتی که به من رسیده است نبایستی نگرانی داشته باشیم از اینکه به سیاست ما، یعنی خواستن یک دولت ثابت و تنظیم امور مالیه ایران لطمه وارد آید.

وضعیات سیاسی ایران، در این دو ساله تغییرات مهمی به هم رسانیده است؛ من جمله ظهور رضاخان سردار سپه که دارای صفاتی است که در ایرانیها کمتر پیدا می‌شود. این اوصاف او را قادر به این ساخته یک قشون مرتبی که عبارت از ۲۲ هزار پیاده‌نظام، ۸ هزار سواره‌نظام، ۹۴ عراده توپ و دو بیست دستگاه میترا لیزوز با مقداری طیاره و اتوموبیل زره‌پوش باشد تهیه نماید که نتیجه آن این شده نفوذ خود و دولت را در سرتاسر مملکت مستقر ساخته و شرایط ایجاد یک سیاست ثابتی را که ایران دارای آن نبود

فراهم نموده‌است و علاوه بر اینکه وزارت جنگ را اداره می‌نماید ریاست هیئت دولت [را] نیز به دست گرفته و در واقع همان موقعیتی را که کمال پاشا در ترکیه حائز گشته سردار سپه نیز در ایران دارای آن می‌باشد.

احساسات جمهوری طلبی از اوایل امسال ظاهر گشت ولی نظر به مخالفت علما متروک گردید. در این باب بعضی از نکات راپورتی که اخیراً رسیده است و اوضاع را روشن و آشکار می‌سازد قرائت می‌نمایم: «مسئله جمهوریت حالیه یک شکل مذهبی به هم رسانیده و علما خود را پیشوای ضد جمهوری طلبان قرار داده‌اند. بنابراین تمام اجتماعات ضد جمهوری شکل مذهبی داشته و نطقهای که ایراد گردید تماماً مذهبی بود. ملت ایران نادان و جاهل است<sup>۱</sup> ولی هیجان زیادی در مسایل مذهبی نشان می‌دهد بناثاً علیه [علی‌هذا] میان اهالی حس قوی بر ضد جمهوری ایجاد گشته است».

لهدا با وجود تظاهرات جمهوریخواهی معلوم می‌گردد نظر به احساسات مذهبی این تظاهرات جمهوریخواهی عواقبی نخواهد داشت.

لرد برکن هد: آیا خیال دارید این راپورت را طبع و توزیع نمایید؟  
لرد پارمور: ممکن است.

لرد برکن هد: یقیناً ممکن خواهد بود.

لرد پارمور: اگر لزوم داشته باشد.

لرد برکن هد: اگر تقاضا شود؟

لرد پارمور: بلی اگر تقاضا شود.

لرد برکن هد: پس من تقاضای آن را می‌نمایم.

لرد پارمور: آنچه می‌دانم این است که مخالفتی در طبع و توزیع آن نیست. شاه و درباریان از ترس اینکه آزادی و حیاتشان در خطر می‌باشد از تهران حرکت کردند ولی از آن وقت به بعد احساسات جمهوری طلبی در ایران از شدت خود کاسته است.

اکنون مایلم از وضع مالیه ایران صحبت نمایم. در نوامبر ۱۹۲۲ دکتر ملسپو [میلسپو] مستشار مالیه از امریکا وارد تهران شد و بدون فوت وقت شروع به تنظیم ادارات مالیه ایران نمود. از طرف مجلس به مشارالیه اقتدارات تام داده شده و بالنتیجه با وجود دو

۱. این خود نهایت حساسیت و ذکاوت ملتی است که در پس پرده فریبنده جمهوری رضاخانی بر حضور استعمار اشعار دارد.

ملیون [میلیون] لیره که وزارت جنگ سالیانه برای قشون دریافت می‌دارد موفق به ترتیب امور مالیه شده و موازنه بودجه امساله که تاکنون در ایران معمول نبوده فراهم نموده است. شکی نیست که مطبوعات محل حملاتی به ما نموده و مناسبات ایران را با انگلستان در خطر انداخته بود ولی وجود سردار سپه که مردم [از او] ترس و وا همه دارند خاتمه موقتی به این داده و فعلاً از شدت آن کاسته شده است.

نظر به قروضی که ایران به انگلستان دارد اهمیت ترتیب مالیه ایران به خوبی آشکار است و قروضی که در مدت جنگ به دولتهای مختلف ایران داده شده و دولت هندوستان در آن شرکت داشته مبلغ چهار میلیون لیره است.

لرد لامنتکن: برای چه مقصودی این وجوه قرض داده شده است؟

لرد پارمور: متأسفم که در این باب اطلاعی ندارم و الا عرض می‌کردم. به علاوه [علاوه بر] مبلغ مزبور از بابت آلات حربیه که به ایران داده‌ایم مبلغ سیصد و پانزده هزار لیره نیز ایران به ما مدیون است. و از بابت دعاوی اتباع خودمان هم مبلغ ۵۷۶ هزار لیره از ایران مطالبات داریم. این ارقام به خوبی نشان می‌دهد که دولت و ملت انگلیس در بهبودی اوضاع مالیه ایران ذینفع می‌باشند.

در باب ساختن راه آهن پیشرفت مهمی حاصل نگشته است. در موقع جنگ خط راه آهن هندوستان تا دزداب که در پنجاه و دو میل [میلی] آن طرف سرحد واقع است امتداد داده شد. از طرف غرب ایران در ۱۹۱۹ اقدامات جزئی یعنی مساحی به عمل آمده و از قرار معلوم سردار سپه خیلی مایل به ایجاد راه آهن است و کمپانی امریکایی را در این باب برای مذاکره به ایران خواسته است.

کمپانی نفت جنوب در خاک ایران موازی صد و چهل میل لوله نفت دارد و با کمال اطمینان، کمپانی مزبور مشغول توسعه کار خود می‌باشد و در این خصوص هیچ‌گونه نگرانی و اشکالی نیست و سالیانه مبلغ هفتصد هزار لیره سهمی دولت ایران را می‌پردازد. راجع به امتیاز نفت شمال که به کمپانی سنکلا امریکایی داده شده است هنوز به تصویب مجلس نرسیده. در خصوص خود سردار سپه اشتباه نشود تصور نمی‌کنم با ما اظهار مخالفتی داشته و یا دارد. ما مایل هستیم حکومت ثابتی در ایران باشد و امور مالیه هم به دست هرکس باشد منظم و مرتب بماند. اطلاعاتی که در باب ایران در دست است از قراری بود که به عرض رسانیدم.

لرد کرزن: لردهای محترم، لرد محترم در باب اوضاع ایران توضیحات واضحی دادند.

این توضیحات واضح بود ولی کلیه نکات آن کاملاً صحیح نبود. مثلاً درخصوص تاریخچه راه آهن ایران یعنی امتداد راه آهن هندوستان به سرحد ایران توضیحات معظم‌الیه [له] مبهم بود و ایجاد این خط راه آهن را به سنوات اخیر و موقع جنگ نسبت دادند در صورتی که خود این جانب بیست سال قبل افتخار ساختن آن را داشتم. باری بگذریم.

در یک نکته دیگر راجع به طبع و توزیع نوشتجات لازمه عدم اطلاع خودشان را از ترتیبات معموله نشان دادند زیرا قسمتی از راپورت وزیر مختار انگلیس را خواندند. در صورتی که چیز محرمانه نبود که چاپ شده و به نظر عامه نرسد ولی عادتاً فقط یک فقره از کلیه نوشتجات راجعه به یک مسئله طبع و توزیع نمی‌شود و این مسئله بسته به رأی دولت است که کتاب آبی راجع به اوضاع ایران طبع و توزیع نماید. و امیدوارم به لرد محترم برنخورد هرگاه عرض نمایم بهتر آن است از ترتیبات جاریه خارج نشوند.

لرد پارمور صحیح گفتند وقتی اظهار داشتند که نه از طرف دولت انگلیس و نه از طرف دولت ایران تغییراتی راجع به وضعیت خلیج فارس پیش نیامده است. مسئله را مانند لرد لانزدون و سایر وزرای خارجه خود اینجانب اساس سیاست خارجه انگلیس قرار داده بودم. گاه‌گاهی دولت ایران شاید نظر به بی‌اطلاعی [ای] که داشتند اعتراضی به موقعیت ما در خلیج فارس نموده‌اند ولی اظهارات لرد معظم‌له را حمل به این می‌نمایم که دولت حالیه انگلیس در این مسئله که اساس سیاست انگلیس قرار داده بودم مثل سلفای [اسلاف] خود با عزم و مصرّ خواهند بود.

لرد محترم خیلی به موقع رفع اشتباه را درباره فروش سهام دولت به کمپانی نفت جنوب نمودند. دوست محترم لرد لامنکتن تصور کردند که دولت سابق قرار داده بودند که سهام مزبور را به فروش برسانند و دولت جدید از این خیال منصرف گشته‌اند. در صورتی که مسئله فروش سهام اولاً در مطبوعات دیده شد و بعد خودم که درصدد تحقیق برآمدم گفتند که بدون تصویب کابینه در این باب اقدامی نخواهد شد، و به واسطه انتخابات جدید مسئله سکوت عنه ماند و هیچ وقت در کابینه سابق در این خصوص مذاکره نشد.

در باب سردار سپه آنچه طرفین اظهار داشتند تصدیق می‌نمایم. این شخص ریاستمدار نظامی که از ابتدا یک نفر سرباز بوده به واسطه کفایت و شخصیتی که دارد و خدماتی که به مملکت خود نموده خود را به یک رتبه [ای] رسانیده که در این پنجاه سال

اخیر نظیر آن در ایران دیده نشده است. سردار سپه فرمانده کل قوا و رئیس دولت ایران بوده و موفقیتی که در ترتیبات نظامی و استقرار امنیت در ایلات جنگجوی جنوب حاصل نموده حقیقتاً دارای خیلی اهمیت می باشد. در این مدت سیاستمداری خویش همیشه حس وطن پرستی را در منافع ایران نشان داده و تا درجه ای که من اطلاع دارم مخالفتی هم با ما نشان نداده است. خاطرمد قدری مشوش گشت وقتی لرد محترم رضاخان را با کمال پاشا مقایسه کردند. انشاءالله فقط مقصود ایشان این بود که سردار سپه هم مثل کمال پاشا سرباز باعزمی هستند که مایل به اقتدار و ترقی مملکت خویش می باشند.

یقین دارم وزیر مختار انگلیس در تهران سر پرسی لورن که در این دو سال اخیر از عهده وظایف خود کاملاً برآمده و دولت انگلیس جز تشویق نسبت به این شخص ریاستمدار چیز دیگری نشان نداده اند. اینجانب نیز با احساسات لرد محترم شراکت جسته موفقیت کامل سردار سپه را در ترقی و تعالی ایران خواهانم. فقط نکته دیگری که می خواهم به آن اشاره کرده باشم مسئله حیثیت و نفوذ انگلیس در ایران است، ثانیاً مسئله امریکایی هاست.

راجع به فقره اولی لرد لامنکن راست گفتند که از امضای قرارداد روس و انگلیس به این طرف بدگمانی ایرانیان نسبت به ما شروع گشته و در موقع جنگ که برای حفظ منافع خود ایران ما مجبور به اشغال نظامی شدیم این احساسات توسعه پیدا کرده است. ولی دو چیز را خوب بیان نکردند. یکی مسئله پروپاگاندا علنی روسها از وقتی که بولشویکها به ایران آمده اند بر علیه منافع ما می باشد و این مسئله بر اشکالات ما در ایران افزوده است. ولی مسئله حقیقی سیاست انگلیس در ایران اینهایی که عرض کردم نبوده بلکه حس ملیت است که از زمان جنگ عالم به این طرف در سراسر شرق از چین گرفته تا ترکیه طلوع نموده است. این حس در یک ملت حساسی مثل ایرانیها در غلیان است و مثل سابق نمی توان انتظار پیشرفت مقاصد خود را داشته باشیم و واضح است وقتی که این حس ملی شکل مخالفت با منافع یک مملکت خارجی به هم می رساند آن مملکت خارجی تصور می کند که این مخالفت برضد او است. من این طور تصور نمی کنم. این جریان جهانگیری است که در هندوستان نیز در مقابل خود می بینم و ما را دچار اشکالات نموده و هنوز علاج آن را اروپا اختراع نکرده است. کم کم به این حس ملیت عادت کرده و تظاهر آن که ایران نمونه آن را نشان می دهد هر چند موجب نگرانی است

ولی به عقیده من نبایستی موجب تعجب گردد.

بالاخره مسئله مستشاران امریکایی است. عقیده من همیشه این بوده که ایران مملکتی است که محتاج به هرگونه مستشار خارجی است و هرگاه به یک نظر سوئی به مستشاران انگلیسی می‌نگرد بگذار از هر جا که خود مایل است آن مستشاران را جلب نماید. لهذا خود من با کمال میل استخدام مستشاران امریکایی را استقبال نموده، و هرگاه به نوشتجات وزارت خارجه عطف نظری بشود ملاحظه خواهد شد نه فقط به چشم حسادت به استخدام امریکاییها ننگریسته بلکه دولت امریکا را درخصوص فرستادن مستشاران به ایران تشویق نمودم. وزیر مختار ما در ایران در ترتیب امور مالیه ایران مداخله نداشته و من شخصاً موفقیت مستشاران امریکایی را قلباً خواهانم. نکته دیگر مسئله قروض ایران به انگلستان است. لرد محترم اظهار داشتند که طلب ما چهار میلیون [میلیون] و نیم لیره است. این قروض از تراکم مساعده‌هایی که در موقع جنگ و غیره به ایران نموده‌ایم و دعاوی [ای] که اتباع انگلیس دارند سالهاست تشکیل گشته است. این مسئله مساعده به ایران چیز تازه [ای] نیست؛ متجاوز از بیست سال است که معمول بوده است. خودم وقتی که در هندوستان بودم دولتین انگلیس و هندوستان مساعده مالی به ایران دادند لهذا این سیاست تازه نبوده و کلیتاً برای ایران فایده داشته است. ولی نبایستی ایران از زیربار آن در رود بلکه برعکس، ما باید همیشه ایران را در موقع لزوم یادآوری نماییم که تعهدات خود را به جا آورده نه انگلستان را و نه هندوستان را مثل گاو شیرده ندوشد.

این است اظهاراتی که خیال داشتم به عرض برسانم. و نمی‌گویم کلیتاً اوضاع ایران خوب است ولی بودن یک شخص کافی در مسند امور ایران خود علائم خوبی است. و دولت ایران همیشه باید به دوستی دولت انگلیس - از هر حزب و دسته باشد - اطمینان داشته باشد. و راجع به مستشاران امریکایی کمال اطمینان را دارم که همگی موفقیت کامل آنها را آرزو مندیم.

لرد لامنکتین: لردهای محترم، از لرد محترم که از طرف دولت به اظهارات من جواب دادند کمال تشکر را دارم. لرد محترم تصور کردند که من خواستم دولت حالیه را متهم سازم که سبب نکث حیثیت ما در ایران شده‌اند. این را من اظهار نکردم. گفتم به حیثیت ما در موقع بستن قرارداد با روس نکث وارد آمده و از آن به بعد موجب مخالفت ایرانیها نسبت به ما شده است. لرد محترم اظهارات اینجانب را راجع به مخالفت ایرانیها نسبت به ما جواب ندادند. برای همین بود به خلیج فارس اشاره کردم که ما برای منافع دنیا در

آنجا متحمل مصارف گشته و خودمان در آنجا یک وجب خاک را متصرف نگشته‌ایم و حسن نیت خودمان را بایستی به ایرانیها بگوییم؛ شاید قدری در احساسات خود نسبت به ما تخفیفی بدهند.

لرد کرزن محترم به حس ملیتی که در شرق و اقصای شرق در غلیان است اشاره نمودند. تصور نمی‌کنم که تولید این حس از اثر جنگ بین‌المللی باشد بلکه نطقهای سیاستمداران انگلیس و امریکا راجع به آمال و خیالات عالی که درباب این جنگ داشتیم این حس را تولید نموده است...

خاتماً اظهار می‌دارم هرگاه دولت حاضر نیست نوشتجات راجعه به ایران را طبع و توزیع نمایند پیشنهاد خودم را پس می‌گیرم.

لرد پارمور: از لرد محترم خواهش می‌کنم که پیشنهاد خودشان را استرداد نمایند. لرد لامنکتن: فعلاً پیشنهاد خود را استرداد داشته و در آتیه موقعی که لرد محترم وقت آن را داشتند نوشتجات را تهیه و طبع نمایند پیشنهاد خود را تجدید خواهم نمود.

[۳ - ۹۸ - ۱۱۴ ز]

## ۲۸

ریاست وزراء

ورقه تلگرافی

نمره ۱۴۰

تاریخ: ۵ عقرب ۱۳۰۳

استخراج تلگراف مسکو

حضرت اشرف سردار سپه

تعاقب تلگراف سابق اعزازالسلطنه پسر کامران میرزا دستورالعمل‌هایی دارد که در [از] هیچ قبیل اقدامات پرخطری فروگذار نکند. رتشتین<sup>۱</sup> تمنا می‌کند کلیه مسائل مخفی بماند و اسم او افشا نشود.

۲۷ مفاخر<sup>۲</sup>

[۱۰۹۷ - ن]

۱. تئودور رتشتین سفیر روسیه شوروی در ایران

۲. غلامرضا نورزاد ملقب به مفاخرالملک، کاردار ایران در مسکو.

۷ نمونہ: ۲

۱۳۰

بناریخ



ریاست وزراء

◀ ورقہ تذکرافی ▶

روزانہ  
۵ عترب ۲۹

نومہ

انوار تجہ تہرات سکو

حضرت اشرف سردار سپہ تعاقب تہرات سابق افراد سلطنت سپہ کامران سیرا اہل تور اہل ہندوستان و  
دریچ قبیل اقدامات برخط رفر و گذار کنند تسمین نمایند کلیہ سائیر محض بنامند و اسم او آفسا  
نشہ ۲۷ سفاخر



۷ برج قوس ۱۳۰۳

انّ من الدّین النصیحة

[رضاخان رئیس الوزرا]

اگر حضرت اشرف را از تجربه ماسبق بر حقیقت‌گویی استخاره بنده اعتقادی هست  
به حکم همان استخاره این چند کلمه به عرض می‌رسد:

حضرت اشرف تلگرافی به مجلس مخابره کنید که کار از صلح گذشته منجر به جنگ  
خواهد شد. اگر مجلس معتقد است که به کناره‌گیری من رفع فساد خواهد شد من در این  
موقع ریختن خون یک ایرانی را ولو از طرف مقابل باشد در پیشگاه حق جل و علی به  
گردن نگیرم، و به طیب خاطر حاضرم که از تمام تعلقات و شئون خود دست بردارم و  
در انتظار خارجه محرک این جنگ داخله نشوم.

اگر حضرت اشرف، روحی فداه، این اولین قدم را بردارد بالقطع قدم چهارم را بر  
روی همان مسندی که آرزوی همه نیکخواهان است خواهند گذاشت. در این اقدام یعنی  
این از خود گذاشتن بدیهی است که محرکین این فساد را به کدام درکه از درکات ذلت  
پرتاب خواهد کرد. والله علی مانقول وکیل.

پیر معارف، [میرزا حسن] رشدیه

[محل امضا:]

[۳۱۶۴۹-ن]

www.KetabFarsi.com

در آستانه تغییر سلطنت

## ۳۰

ریاست وزراء  
ورقه تلگرافی

استخراج رمز خراسان

[رضاخان رئیس الوزرا]

نظر بنده دربارہ شخص حضرت اشرف همان مقدمات است که چند مرتبه حضوراً عقیده خود را به حضور مبارک عرض کردم. در آن زمینه هم مدتی است مشغول کار هستم و با هر کس از عقلاً مذاکره کرده و می‌کنم کسی را مخالف نمی‌بینم. چون جذب قلوب به خوبی پیشرفت می‌کند. اگر صلاح است به قدری که لازم بدانند بنده را از نظریات ظاهر بی اطلاع نگذارند مخصوصاً رسید این تلگراف را اعلام فرمائید.

۱۲ دلو ۱۳۰۳ | نمره ۷۱

ابوالفتح طباطبائی<sup>۱</sup>

[۱۰۹۵-ن]

## ۳۱

ریاست وزراء  
ورقه تلگرافی

ایالت جلیله جواب ۷۱ خصوصی کشف شود

[در پاسخ به تلگراف رمز خراسان]

تفصیل قضیه این است، مطابق اسناد و مدارکی که اخیراً به دست آمده معلوم و ثابت می‌شود که دربار، مخصوصاً ولیعهد [محمد حسن میرزا] وسایل و تحریکاتی که مستقیماً منتهی به ضرر مملکت و خیانت به ملت می‌گردد به کار می‌برند و دامنه این عملیات هم هنوز ممتد است. این جانب، صرف نظر از مسئولیتی که به طور کلی برعهده دارم، به اقتضای حب وطن او و وظیفه ملی ناچارم بالاخره مراتب را به اطلاع عالی برسانم که هم عموم مردم به وضعیات مملکت خود آگاه شوند و هم مسئولیت مخاطراتی که در نتیجه

آن تحریکات پیش می‌آید متوجه من نباشد. به این جهات در نظر دارم با کمال بیطرفی و صمیمیت حقایق را با وجوه طبقات و نمایندگان ملت به میان گذارده و چاره‌جویی بخواهم که هر طور مصلحت بدانند تکلیف مملکت را معلوم نمایند. غیر از این هیچ نظر خصوصی در کار نیست و نقشه هم ندارم که جناب عالی را از کیفیات آن مستحضر سازم. |امضا|

[در حاشیه:]

مخابره شود

[۱۰۹۴-ن]

۳۲

[احمد شاه]

عدم حرکت موکب مبارک موجب نگرانی فوق‌العاده در افکار شده و مسئولیت آن را از هر طرف متوجه این چاکر [محمد حسن میرزا] و جناب اشرف [رضاخان] رئیس‌الوزراء می‌نمایند. در نتیجه این اوضاع و اینکه حضرت آقای مدرس نیز با سابقه به تمام تلگرافات اخیر اعلیحضرت دایر به تشریف‌فرمایی بعد از حرکت علیاحضرت ملکه<sup>۱</sup> اظهارات شدیدی در این موضوع می‌نمودند. روز دوشنبه هفتم ثور برای ناهار اجتماعی در سعدآباد در منزل جناب رئیس‌الوزراء نموده و اشخاص مفصله حضور داشتند آقای مدرس، شاهزادگان عضدالسلطان و نصره‌السلطنه<sup>۲</sup>، آقای [میرزا حسن خان] مستوفی‌الممالک، نصره‌الدوله [فیروز میرزا فیروز] قوام‌الدوله [شکراالله خان صدری] و مدت طولانی در اطراف این وضعیّت مذاکرات به عمل آمده و تصمیم بر این شد که عرایض ذیل را اجماعاً به عرض خاک‌پای مبارک رسانده استدعای جواب فوری قطعی بنمایند:

خلاصه تقریرات آقای مدرس این است:

در صورتی که ولیعهد جداً اظهار می‌دارند که تمام احساسات و انتظارات مردم که

۱. ملکه جهان، مادر احمد شاه.

۲. ابوالفضل میرزا عضدالسلطان و حسینقلی میرزا نصره‌السلطنه فرزندان مظفرالدینشاه و عموهای احمد شاه.

توسط آقای مدرس پیغام شده به عرض رسانده و راجع به حرکت اعلیحضرت اصرار نموده و می نمایند و جناب رئیس الوزراء هم متوالیاً این استدعا را کرده و اخیراً حسب المقرر وسایل حرکت اعلیحضرت ملکه را فراهم نموده [و] ناقصی که دارد همین دو روزه انجام خواهند داد، با این حال البته اگر حرکت اعلیحضرت باز به تأخیر بیفتد و یا چند روز دیگر روانه نشوند موجب یأس عموم مردم و صاحب این عقیده خواهند شد که اعلیحضرت حقیقتاً به احساسات و مصالح مملکت وقعی نمی گذارند.

در تکمیل اظهارات آقای مدرس که به عرض رسید چاکران استدعا می نمایم اگر اعلیحضرت دلیلی برای تأخیر دارند صریح بفرمایند تا رفع سوءظن بشود و مخصوصاً چاکر و چاکران دیگر اعلیحضرت که امروز در منزل رئیس الوزراء مجتمع هستیم عاجزانه استدعا و درخواست می نمایم که تاریخ قطعی را فوری تلگراف و راضی نشوند که احساسات و وضعیات خوبی که فعلاً از هر جهت موجود است مبدل به جریانهای غیر مترقبه بشود.

این تلگراف در سه نسخه با رمز چاکر و رئیس الوزراء و نصره السلطنه به عرض رسید.

[۱۱۳۷-ن]

### ۳۳

ریاست وزراء

ورقه تلگرافی

۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۴

استخراج تلگراف پاریس

جناب اشرف رئیس الوزراء

تلگراف شما که مطالب آن را رجوع به تلگراف ولیعهد نموده بودید رسید. جواب تلگراف ولیعهد را مخابره کرده ام؛ البته ملاحظه خواهید کرد. با کمال اشتیاقی که به مراجعت داشته و دارم، مخصوصاً پس از ابراز صمیمیتهایی که از آن جناب اشرف نسبت به خودم مشاهده می کنم خاصه در این موقع و اظهار شرکت و همدردی در تسلیت که حقیقتاً قلباً مرا از خود ممنون نموده اید، قصد دارم هرچه زودتر به مسافرت خود خاتمه بدهم. و چون می خواهم در آتیه نیز موجبات صمیمیت بین من و شما تکمیل، و به

هیچ وجه سوء تفاهمات رخ ندهد، به بعضی ملاحظات، بهتر می‌دانم شخص محترم می‌را که طرف اطمینان باشد قبل از وقت اطلاع داده و از تهران روانه نماید تا مطالبی که اظهار آنها به وسیله تلگراف میسر نیست به وسیله مشارالیه گفته شود تا هرچه زودتر طرف ایران حرکت و با موافقت تمام و وحدت نظر کامل امورات مملکت انشاءالله پیشرفت نماید.

شاه

[۱۱۳۹-ن]

شماره ۱۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۴



تاریخ

۷ آبان ۱۳۰۴

۱۳۰

ریاست وزراء

نشان نامه

مخارج تلگراف بارشیر <> ورقه نمائگرافی

جناب اشرف رئیس الوزراء تلگراف نام مطالب آنرا مجموع به تلگراف ولعهد نموده  
بودید رسید جواب تلگراف ولعهد لایحه که ام التیه لاطظه خواهد بود که با کمال احتیاط و رعایت  
دائمه و دارم مخصوصاً پس از ابراز صمیمیت و اینکه از آن جناب اشرف نسبت بخدمت شاه میگویم  
خاصه در این موقع و اظهار شک و تردید در و تسلیم حقیقتاً قبل از آنکه از طرف مندرج  
مصدق دارم هر چه زودتر مبادرت گرفته بشود و فرجه بخوانم در آتیه نیز موجدات صمیمیت  
میں رخ و لائحه و پیچیده کوه قنات رخ ندر به بعضی ملاحظاتی بر رسید انم سخن حق را  
در طرف اینان باغ قنات از وقت اطلاع داده و از طرف ان روانه نایب تا سطح بلکه اظهار  
آنها بوسیله تلگراف سینه نیت بوسیله نشان نامه لایحه گفته شود تا هر چه زودتر طرف ایران  
حرکت و با موافقت تمام و در صورت نظر کامل امور است مکتب انشاء الله شرفست نماید

شاه

www.KetabFarsi.com

اسناد مطبوعات و سانسور



## ۳۴

[نشان سفارت انگلیس]  
سفارت انگلیس تهران

نمره ۳۲۳

۱۳۰۲/۹/۳

جناب مستطاب اشرف ارفع [آقای سردار سپه رئیس الوزراء]  
نظر به محاورات روز ۲۱ نوامبر - ۲۸ عقرب - در موضوع نشریات ضدانگلیسی که  
مدیر روزنامه فکر آزاد منطبعه در مشهد، موسوم به میرزا احمدخان دهقان، انتشار  
می دهد مبادرت نموده اینک به رسم نمونه از مطبوعات ضدانگلیسی مزبور دو نمره از  
آن جریده [را] لفاً ایفاد می دارم.  
در یکی از نمرات مزبور لایحه [ای] در تحت عنوان «حوادث مهمه در ایران» درج شده که  
مقصود نویسنده این است که انگلیسیها با قوام السلطنه در سوء قصد بر علیه سردار سپه  
دخیل بوده اند. نمره دیگر محتوی لایحه ای است که به امیر فیصل مستند است و  
مشحون از اتهامات توهین آور نسبت به انگلیسیها در ایران و در عراق می باشد.  
در تاریخ ۲۸ صفر - ۱۰ اکتبر - جریده فکر آزاد مراسله...

[۹۵۱۱ن]

## ۳۵

وزارت جنگ  
اداره کابینه

نمره ۱۳۴۸۴

۹ برج قوس ۱۳۰۲

ضمیمه مراسله سفارت انگلیس و دو شماره روزنامه  
وزارت جلیله امور خارجه

مراسله [ای] از سفارت انگلیس دایر به نشریات روزنامه فکر آزاد منطبعه در مشهد بر  
علیه انگلیس به ضمیمه دو شماره از روزنامه مزبور به عنوان این جانب رسیده است که  
عیناً ارسال، و قدغن خواهید نمود جواب مراسله مزبور را به هر قسم که مقتضی است  
تهیه نمایند.

[امضا]

[در حاشیه]

ورود به کابینه ریاست وزراء تاریخ ۱۳۰۲/۹/۱۶ نمره ۱۲۷۶۲

[۹۵۱۰ن]



وزارت جنگ

کابینه

شماره

۱۳۴۱۴

تاریخ ۹ شهریور ۱۳۰۳  
صوبه پهلوی وزارت جنگ

وزارت جنگ

رئیس دفتر

رئیس دفتر

رئیس دفتر

رئیس دفتر

وزارت جنگ  
تاریخ ۱۶ شهریور ۱۳۰۳  
شماره ۱۳۷۶۴

## ۳۶

## انشان سفارت انگلیس |

۲۴ ژانویه ۱۹۲۴

۴ دلو ۱۳۰۲

آقای رئیس الوزراء

اینکه دولت ایران نتوانسته‌اند رضایت دوستدار را در موضوع اینکه روزنامه ستاره ایران بی ادبانه ابلاغیه رسمی دوستدار را تکذیب نموده است تحصیل نمایند مجبورم تصور نمایم که حضرت اشرف نمی خواهند اطمینانهایی را که شخصاً به دوستدار دارند که استرضای کامل به عمل خواهد آمد مجری دارند. بنابراین به محض اینکه هیئت جدید دولت انگلیس مشغول وظیفه خود شدند مسئله را به آنها اطلاع خواهیم داد. می دانم که حضرت اشرف قصد دارند اقداماتی برای جلوگیری از این قبیل وقایع بنمایند و امیدوارم که به زودی این اقدام [را] مؤکداً و تعجیلاً به موقع اجرا گذارند. مع هذا این مسئله به حمله [ای] که ستاره ایران مستقیماً به دوستدار نموده و از آن بابت ترضیه خواسته نشده و ترمیمی به طوری که از حضرت اشرف خواسته بودم به عمل نیامده است مربوط نمی شود. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می نماید.

اپرسی لورن |

|گیرنده| حضرت اشرف آقای سردار سپه رئیس الوزراء و وزیر جنگ

|ن-۹۵۰۴|



۳۷

شرکت روزنامه جارچی ملت  
تهران

نمره ۱۱

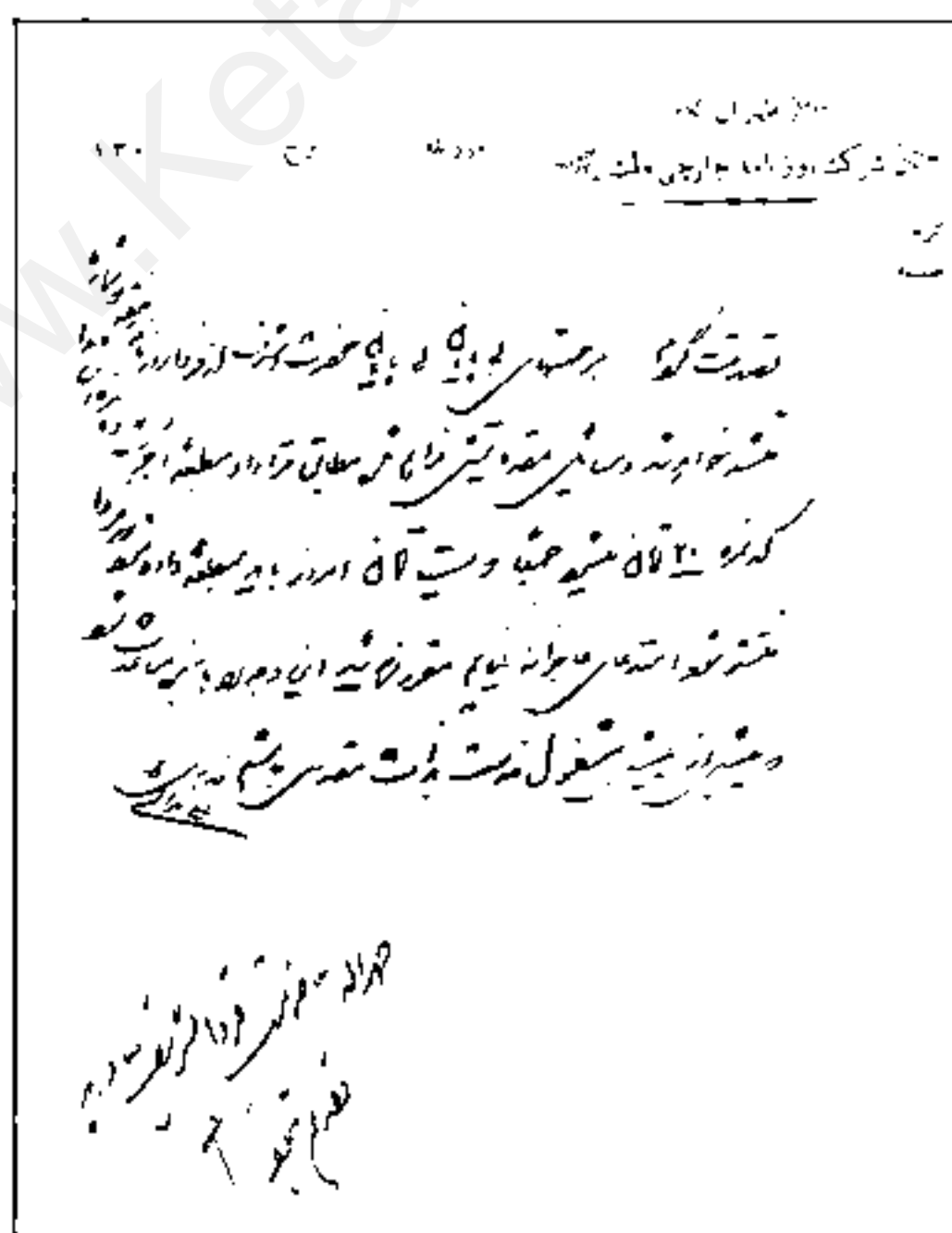
تصدقت کردم، به مرحمتهای بی پایان حضرت اشرف از فردا روزنامه هفته [ای] دو شماره منتشر خواهد شد. وسایل مقدماتی اش فراهم شده. مطابق قرارداد مطبعه، اجرت ده نمره اش را که نمره [ای] ۲۰ تومان می شود جمعاً دو بیست تومان امروز باید به مطبعه داده شود که فردا منتشر شود. استدعای عاجزانه می نمایم مقرر فرمایید این وجه را با بنده مساعدت شود که بیش از پیش مشغول خدمت به ذات مقدس باشم.

فدوی، علی فدایی

[در حاشیه:]

حمدالله حاضر نیست؛ فردا تشریف بیاورید تقدیم می شود. [امضای رضاخان]

[۵۱۱۸-ق]



## ۳۸

## روزنامه یومیّه ایران

تهران

نمره ۷۱۳

تاریخ ۱۵ برج سنبله سنه ۱۳۰۳

توسط حضرت اشرف آقای ذکاءالملک |محمد علی فروغی| - مقام محترم وزراء عظام  
دامت شوکتهم

چنانچه خاطر محترم وزرای عظام مسبوق است استقرار حکومت نظامی برای  
جلوگیری از پاره‌ای |دسایس و آتتریکهایی بود که دولت ناگریز از آن بود. پس از استقرار  
حکومت نظامی از طرف نظمیہ مفتش در مطابع گذاشته شد که مطبوعات را کنترل  
نمایند. ماده ۸ قانون مزبور راجع به جراید است که حق ندارند بر علیه دولت انتشاراتی  
بدهند. در تمام این قانون اسمی از سانسور برده نشده است. معذالک از نقطه نظر لزوم،  
سانسور برقرار گردید. حالا مأمور سانسور هم حقیقتاً جنبه افراط را گرفته است و اسباب  
شکایت تمام شده است. روزنامه ایران در این شکایات شرکت نکرده است ولی از  
نقطه نظر علاقه به دولت لازم می‌داند که مراتب را به اطلاع آن هیئت محترم برساند تا  
جلوگیری نموده و نگذارند بیهوده مردم را برنجانند.

به مأمور سانسور اظهار کردیم که آنچه ممنوع است، بگویید تا خودمان ننویسیم و  
اسباب زحمت ما و شما نشود. اظهار داشت: «راجع به گاومیری - خرابی زراعت - سیل -  
برف - حریق - اینها ممنوع از نوشتن است.» اخیراً بر این مسئله اضافه شده است که نطق  
وکلاء را راجع به مسائل اقتصادی سانسور می‌کنند. روزنامه ایران می‌نویسد: قند و چای  
چون زیاد وارد می‌شود مردم باید متوجه زیان آن باشند. در اینجا هم اظهار می‌کنند که  
نوشته نشود زیرا عامه مضطرب خواهند شد. برای اطلاع هیئت وزراء عظام مطالب  
عرض [شد] و قضاوتش بسته به نظر آن آقایان محترم است. به عقیده این اداره ممکن  
است از مسائلی که بر علیه دولت انتشار می‌یابد جلوگیری کنند ولی جلوگیری از مسائل  
اقتصادی و مسائل مربوط به امور مالی خیلی عجیب به نظر می‌آید. دیگر بسته به نظر  
وزرای عظام است.

[امضا] رهنما

[در حاشیه:]